

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۲ اکتوبر ۲۰۱۷

کار دموکراتیک انقلابی و غیر انقلابی

کار دموکراتیک و دیدگاه های متفاوت

(۱۳)

۴- کار دموکراتیک انقلابی

۳- انجمن ها و اتحادیه های صنفی:

تبلیغات شفاهی و نوشتاری عمدتاً برای آگاهی و ایجاد همبستگی فکری توده ها مورد استفاده قرار می گیرد. ما برای این که بتوانیم در کنار آگاهی و ایجاد همبستگی فکری توده ها، آنان را از لحاظ عمل نیز متحد سازیم، باید برای کار دموکراتیک به جاهائی برویم که توده ها در آنها حضور دارند. از جاهائی که می توان برای کار دموکراتیک استفاده برد، یکی هم انجمن ها و اتحادیه های صنفی و کوپراتیف های دهقانی و سایر سازمان های اجتماعی و صنفی مرتبط به زحمتکشان است.

انقلابیون برای مسلح سازی فکری و همبستگی فکری توده ها و وحدت عمل آنان باید میان اتحادیه ها، نهادها، انجمن ها، کوپراتیف ها و حرکت های توده ئی بروند و در سمت و سوی این نهادها بدون این که خود را به رهبران خودساخته این نهادها تبدیل کنند، باید نقش انقلابی شان را ایفا کنند. این توده ها هستند که رهبران خود را تعیین می کنند، آنان رهبران شان را با معیارهای مشخص خودشان تعیین می کنند و نیازی به رهبران و قهرمانان صادراتی ندارند. انقلابیون با مشی و خط درست و اصولی است که نهادها و انجمن ها و کوپراتیف ها و اتحادیه های توده ئی را رهبری می کنند.

اتحادیه های معلمان، دبیوران، مستری ها، خبازان، نجاران، داکتران، انجیران، مأموران، متقاعدان، حقوقدانان، محصلان، جوانان، زنان، معلولان، بازماندگان شهداء، خبرنگاران، کارگران سکتورهای خدماتی و غیر خدماتی و... انجمن های زحمتکشان، کارگران، شعراء، فرهنگیان، عکاسان، هنرمندان و... سازمان های ورزشی، سازمان ها و شوراهای قومی، ولایتی و شهری و... جاهائی هستند که انقلابیون باید آنجا بروند و در میان آنها کار کنند. انقلابیون باید در تمام این اتحادیه ها و انجمن ها و نهادها کار کنند، طرف زحمتکشان را بگیرند، به مسائل واقعی زندگی آنان رسیدگی کنند، آنان را کمک کنند که اعتراضات و مبارزه شان سمت و سو بگیرد، باید به آنان یاری برسانند تا از تمام خیانت ها و جنایت هائی که در حق آنان صورت می گیرد، آگاه شوند؛ باید خواست های آنان را دسته بندی کنند، اولویت بندی کنند و آنان را برای نیل به رهائی از جور و ستم یاری برسانند. انقلابیون نباید خواست های جزئی توده ها را که

برای بهبود شرایط کار و زندگی کاری از طرف توده ها مطرح می شوند، نادیده بگیرند؛ نباید خواست های کوچک آنان را حقیر بشمارند و از شرکت در آن شانه خالی کنند.

در جای و یا بخش هایی که اتحادیه ها و انجمن های توده ئی موجود نیست، انقلابیون وظیفه دارند که با ابتکار خود اتحادیه ها و انجمن ها و نهادهای توده ئی را در خارج از سازمان اما تحت رهبری سازمان ایجاد نمایند، ولی نباید فراموش کنند که این اتحادیه ها و انجمن ها و نهادها باید صنفی باشند، نه تشکیلاتی و محل به اصطلاح رنگ کردن اعضاء. همین گونه، با وجودی که باید بیشترین بخش انرژی و توان انقلابیون برای فعالیت در اتحادیه های توده ئی و مستقل به مصرف برسد، اما در صورت نیاز انقلابیون از نفوذ در میان اتحادیه ها و انجمن های دشمن غافل بوده نمی توانند. در این مورد جداً ضرورت است تا افراد نفوذی؛ سازمان دهندگان مجرب، مبتکر، توانا، آگاه، خلاق و از فن بالای رعایت پنهانکاری برخوردار باشند.¹

انقلابیون برای ورود به اتحادیه های صنفی توده ئی، مستقل و حتی اتحادیه های دشمنان، باید ففونی را بیاموزند که از آن طریق در اتحادیه ها جابجا، مورد اعتماد قرار گرفته و در سمتی اتحادیه ها و انجمن ها بدرخشند. به این منظور انقلابیون باید به تخصص توجه جدی داشته باشند. انقلابیون به کادری متخصص در بخش های مختلف نیاز دارند. رفقای متخصص می توانند در اتحادیه ها و انجمن ها و نهادهای تخصصی برادتی داخل و به سمتی آنان بپردازند. رفقای که وظیفه تعلیم و تربیه را به پیش می برند، به خوبی می توانند در اتحادیه معلم فعالیت کنند. رفقای که تخصص فرهنگی و هنری داشته باشند، زمینه های فراوان برای ورود به نهادهای فرهنگی و هنری برای شان مساعد می گردد. رفقای که در پوهنتون ها تدریس می کنند، می توانند اثرگذاری فراوان بر محصلان و در عین زمان اتحادیه استادان پوهنتون ها داشته باشند. رفقای که در بخش قضاء و حقوق متخصص اند می توانند وارد انجمن حقوقدانان شوند و نقش مؤثر در سمتی آنان ایفا کنند و...

به همین سان رفقای که با کسب و پیشه وری آشنائی دارند، می توانند نقش مؤثری در اتحادیه های پیشه وری و حرفه ئی ایفا کنند. رفقای که در شرکت ها، تصدی ها، کارخانه ها و سکتورهای خدماتی و به حیث مأموران دولت ایفای وظیفه می نمایند، می توانند در ایجاد اتحادیه های صنفی نقش مؤثری ایفا کنند و از آن به سود کار دموکراتیک استفاده اعظمی ببرند.

انقلابیون باید به یاد داشته باشند که هدف از حضور ما در این نوع اتحادیه ها، انجمن ها و نهادها آگاهی، همبستگی و همفکری و تقویت وحدت عمل توده ها و از طریق آن جذب منضبط ترین و فعال ترین آنان به هسته های مخفی است. حضور در این نوع اتحادیه ها و انجمن ها کار برای منافع مشترک است، آگاهی و اتحاد زحمتکشانشان صنف ها و طیف های گوناگون برای اعتراض و مبارزه است، ترغیب آنان برای اعتراض علیه شرایط بد کار، بی عدالتی، نابرابری،

¹ «شیوه های نظیر این نوع کار در سایر سازمان های توده ئی فاشیستی از قبیل: «اتحادیه جوانان هیتلری، سازمان های ورزشی، سازمان های «کرافت دورچ فرود» و «دوپر لاورو» ایتالیا، در کنوپراتیف ها و غیره نیز امکان پذیر و ضرور است. رفقاء، شما افسانه پاستانی تصرف «تروا» را به خاطر دارید. «تروا» طوری محصور شده بود که دسترسی و تصرف آن برای ارتش مهاجم غیر ممکن بود. ارتش مهاجم با وجود دادن قربانی های فراوان فقط زمانی پیروزی را در آغوش کشید که توانست به کمک اسب معروف «تروا» به درون آن قلعه یعنی به مرکز و به قلب اردوی دشمن رخنه نماید. تصور می کنم که ما کارگران انقلابی نباید در رابطه با دشمن فاشیست که برای دفاع از خود در برابر مردم در پیرامون خویش، حصارهای جاندار از جلادان و میرغضبان کشیده است از به کار بردن این گونه تجربه ها تردید و ناراحتی را به خود راه دهیم. کسی که ضرورت به کار بردن این گونه تاکتیک ها را نسبت به فاشیسم درک نمی کند و چنین برخورد و رفتاری را «موهن» تلقی می کند، او ممکن است رفیق بسیار خوب و شریفی باشد، ولی اجازه بدهید که بگویم چنین رفیقی پرگو است نه انقلابی. او نخواهد توانست توده ها را در پیکار به خاطر سرنگون کردن دیکتاتوری فاشیستی رهبری کند.» (مبارزه در راه جبهه واحد علیه فاشیسم و جنگ - گنورکی دیمیتروف)

تبعیض، توهین، تحقیر، بیکاری، بیگاری و... و مبارزه علیه ستمگران است. ما باید زحمتکشان را از اعتراض تا مبارزه سمت بدهیم و از مبارزه علیه اشغالگران تا مبارزه علیه استثمار و سرنگونی طبقات حاکمه یاری و کمک برسانیم.

انقلابیون باید به یاد داشته باشند که توده ها به طبقات گوناگون ارتباط دارند. آنان منافع جداگانه دارند و تلاش دارند تا منافع شان تأمین شود. کار اول ما در اتحادیه ها و انجمن ها و نهادها، کار ترویجی نیست، ترویج مرحله دوم کار ما با توده هاست. انقلابیون در اتحادیه ها و انجمن ها و نهادها با بحث های فلسفی و ایدئولوژیک نمی توانند توده ها را انقلابی بسازند. باید نارضایتی توده ها را مایه کار خود ساخت. توده ها از اشغال و حاکمیت دولت پوشالی ناراض هستند، ما باید این نارضایتی را به تنفر تبدیل کنیم، تنفر توده ها را با آگاهی توأم سازیم و آنان را به یک جمع معترض و مبارز تبدیل کنیم؛ پس از آن به کار ترویج انقلابی رو می آوریم، آن هم با پیشتازترین، پیشروترین و منضبط ترین کتله توده ها.

انقلابیون وقتی وارد اتحادیه ها و انجمن ها و... می شوند ضمن استفاده از شیوه های مختلف، می توانند در میان اتحادیه ها و انجمن ها و نهادها روابط شبکه ای به وجود بیاورند. با یک نفر معتمد شروع به کار کنند و همان نفر موظف ساخته شود تا با فرد دیگر در ارتباط شود و این تسلسل ادامه یابد تا جمعی از افراد به شکل شبکه تشکل پذیرند و در پهلوی هماهنگی، در سمت و سوی انجمن و اتحادیه نقش چشمگیر ایفا کنند.

انقلابیون وظیفه دارند که در اتحادیه ها و انجمن ها و نهادهای توده ای جداً از برخورد سکتاریستی پرهیز کنند. وظیفه هر انقلابی است تا در چنین نهادها و سازمان ها با سایر انقلابیون (بدون در نظر داشت تشکل سازمانی) کار و فعالیت کند و وحدت عمل انقلابیون را در این سازمان ها تقویت و استحکام ببخشد، اما باید جداً مواظب باشد که کار دموکراتیک گاو شیری طرف مقابل نباشد. وحدت عمل در سازمان های اجتماعی با افراد و تشکلاتی می تواند صورت بگیرد که در پرتو اصول انقلابی، کار دموکراتیک خویش را طرح و عملی سازند.

۴. اعتصاب ها:

زحمتکشان برای احقاق حقوق شان به تأسیس اتحادیه ها، انجمن ها، نهادها و سایر تشکلات صنفی و اجتماعی اقدام می کنند. این تشکلات صنفی در مرحله ای از نارضایتی و اعتراض قرار می گیرند که سبب حرکت خودبه خودی آنها می شود و این حرکت خود به خودی به قول لنین، «در واقع همان شکل جنینی آگاهی است».^۲ حرکت خود به خودی اکثراً به شکل اعتصاب تبارز می کند.

با آن که اعتصابات برای تأمین منافع صنفی و اقتصادی صورت می گیرد و گستردگی سرتاسری ندارد، زیرا از یک طرف طبقات مختلف منافع مختلف دارند و از طرف دیگر ساحه کاری اقتصادی گوناگون است، همین است که

^۲ «این امر به ما نشان می دهد که «عناصر خود به خودی» در واقع همان شکل جنینی آگاهی است. عصیان های ابتدایی هم در این موقع دیگر تا اندازه ای مظهر بیدار شدن روح آگاهی بود: کارگران ایمان دیرین را به خلل ناپذیر بودن انتظاماتی که آنها را تحت فشار قرار می داد از دست می دادند و رفته رفته لزوم مقاومت دسته جمعی را... نمی خواهم بگویم درک می کردند ولی حس می کردند و جداً از فرمانبرداری غلامانه در مقابل روسا سرپیچی می نمودند. ولی مع الوصف این به مراتب بیشتر جنبه ابراز یأس و انتقام داشت تا مبارزه. اعتصابات سال های نود تظاهرات آگاهی را به مراتب بیشتر به مان نشان می دهند: در این دوره خواست های معینی به میان آورده می شود، از پیش لحظه مناسب در نظر گرفته می شود، وقایع و نمونه های معروف جاهای دیگر مورد شور قرار می گیرد و غیره و غیره. هرگاه عصیان ها صرفاً قیام مردمان ستمکش بود، در عوض اعتصابات متوالی نطفه های مبارزه طبقاتی بودند ولی فقط نطفه های آن. این اعتصابات به خودی خود هنوز مبارزه سوسیال دموکراتیک نبوده بلکه مبارزه تردیونیونی بود، این علامت بیدار شدن خصومت آشتی ناپذیر کارگران و کارفرمایان بود، اما کارگران در آن موقع به تضاد آشتی ناپذیری که بین منافع آنان و تمام رژیم سیاسی و اجتماعی معاصر موجود است آگاهی نداشتند و نمی توانستند داشته باشند، به عبارت دیگر آنها آگاهی سوسیال دموکراتیک نداشتند. از این لحاظ اعتصابات سال های نود، با وجود این که نسبت به «عصیان ها» پیشرفت بزرگی محسوب می شد معهداً باز دارای همان جنبه تماماً خود به خودی بود.» (چه باید کرد؟ لنین)

اعتصاب از یک رشته اقتصادی و سکتوری حتی به رشته دیگر اقتصادی و کاری نیز گسترش پیدا نمی کند؛ اما بر انقلابیون است که در اعتصابات زحمتکشان شرکت کنند و به آن سمت بدهند. با وجودی که اعتصابات محدودیت های صنفی دارند، ولی انقلابیون وظیفه دارند در اعتصابات صنف های مختلف شرکت کنند و در راستای تبدیل مبارزه اقتصادی این صنف ها به مبارزه سیاسی از هیچ نوع تلاش دریغ نکنند.

۵. تظاهرات ها و جنبش های مردمی:

چنانچه در فوق بیان شد، اعتصاب عمدتاً بر محور مبارزه اقتصادی می چرخد. اعتصاب در کنار این که یک حرکت پیشرونده است، اما عمدتاً صنفی است؛ اکثراً با شکست روبه رو می شود؛ میان اعتصاب کنندگان بخش های مختلف پراکندگی موجود می باشد؛ تدارک برای اعتصاب عمومی مشکل و حتی ناممکن به نظر می رسد؛ لذا اثر گذاری هائی که تظاهرات های سیاسی دارد، اعتصاب از آن محروم است. کارگران در کنار اعتصاب، به قول ستالین به مبارزه شان «اسلحه نوین و نیرومندی اضافه کردند که عبارت از دموستراسیون های سیاسی بود.» با تظاهرات های سیاسی در حقیقت مبارزه «از مرحله پروپاگاند (ترویجی) در محافل مطالعه و مبارزه اقتصادی به وسیله اعتصابات، به مرحله مبارزه سیاسی و آژیتاسیون (تبلیغی)، وارد گردید.» (حزب سوسیال دموکرات روس و وظایف مبرم آن - ستالین)

تظاهرات چرا اسلحه نوین و نیرومند است؟ تظاهرات کتله های وسیع مردم را به سرک می کشاند. آنانی را که زیر یوغ ستم قرار دارند، آنانی را که از ستم سیاسی و استبداد و اشغال و استیلا به ستوه آمده اند، به جاده های اعتراض می کشاند. این به ستوه آمدگان از طبقات مختلف می آیند، می توانند کارگران باشند، یا دهقانان و اهل کسبه؛ می توانند کارگران صنعتی باشند، کارگران خدماتی باشند، معلم و داکتر و حقوقدان و صاحبان مشاغل آزاد، مأموران دولت، پیشه وران و اهل کسبه، محصلان و متعلمان، ملیت های تحت ستم و گروه های مذهبی که مورد تحقیر قرار می گیرند و... تمام آنانی که در جبهه خلق قرار دارند و زیر ستم و تعدی اشغالگران و دولت پوشالی و اقمار آن در روزگار تیره و تار به سر می برند، در تظاهرات به سرک ها می آیند.

اشغالگران، دولت پوشالی، فاشیست های طالب و داعش و سایر جلادان و دژخیمان تنها بر یک صنف مشخص ستم و تعدی روا نمی دارند، بلکه علیه طبقات، گروه ها و قشرها و صنف های مختلف خلق قرار دارند. لذا، تظاهرات یکی از ابزارهای نیرومند برای مبارزه دموکراتیک سیاسی و توده ئی است. تظاهرات، ضمن این که سریعاً کتله های وسیع توده ها را جلب می کند، در تسریع آگاهی و بسیج توده ها نقش چشمگیری دارد.^۳

^۳ «اهمیت تظاهرات خیابانی در این است که این تظاهرات، به طور سریع، توده های عظیم مردم را به سوی جنبش جلب می کند و آنها را فوراً با خواست های ما آشنا می سازد و زمینه گسترده مساعدی فراهم می آورد که در آن، ما بتوانیم جسورانه تخم ایده های سوسیالیستی و آزادی سیاسی را بکاریم. تظاهرات خیابانی، سبب آژیتاسیون خیابانی می گردد که بخش عقب افتاده و جیون جامعه، لاجرم تحت تأثیر آن قرار می گیرد. کافی است فردی در طول یک دموستراسیون به خیابان برود و مبارزان جسور را مشاهده کند و درک کند آنها به خاطر چه می جنگند. فریادهای آزادیخواهانه را بشنود که از همه می خواهند به مبارزه بپیوندند و به سرودهای هیجان انگیز گوش فرا دهد که سیستم موجود را محکوم کرده و نیاهی های اجتماعی ما را افشاء می سازند... به همین جهت است که دولت از تظاهرات خیابانی بیش از هر چیز دیگری واهمه دارد. به همین سبب است که دولت نه تنها تظاهر کنندگان بلکه «ناظران کنجکاو» را نیز به اشد مجازات تهدید می کند. خطر عمده ای که دولت را تهدید می کند در این کنجکاو مردم نهفته است. «ناظر کنجکاو» امروز، فردا به تظاهر کننده ای مبدل خواهد شد و گروه های تازه «ناظران کنجکاو» را دور خود جمع خواهد کرد و امروزه در هر شهر بزرگ، ده ها هزار از این قبیل «ناظران کنجکاو» وجود دارد. ... امروزه آنها به صحنه اغتشاش و شورش هجوم آور می شوند و «کنجکاو» نشان می دهند. آنها مشتاقانه می خواهند بفهمند چرا این اغتشاشات و بی نظمی ها به وقوع می پیوندد؟ چرا اینهمه مردم خود را در معرض ضربات تازیانه و شلاق قزاقها قرار می دهند؟ تحت چنین شرایطی، دیگر «ناظران کنجکاو» به صدای شلاق و شمشیر، با بی تفاوتی و بی اعتنائی گوش فرا نمی دهند. «ناظران کنجکاو» مشاهده می کنند که تظاهر کنندگان، جهت بیان خواست ها و تقاضاهای خود در خیابان ها اجتماع کرده اند و دولت با ضرب و جرح و سرکوب بیرحمانه با آنها رفتار می کند. «ناظران کنجکاو» دیگر با شنیدن صدای تازیانه فرار نمی کنند. به عکس، آنها نزدیکتر می آیند و تازیانه دیگر بین «ناظران کنجکاو» و «شورشگران» فرقی قائل نمی شود. اینک تازیانه و شلاق با در نظر گرفتن «مسوات کامل دموکراتیک» بر پشت همه، ام از مرد و زن و بدون ملاحظه سن و حتی طبقه فرود می آید. بدین ترتیب، ضربات تازیانه خدمت بزرگی به ما می کند. چون در اثر ضربات شلاق

اما تظاهرات خیابانی که می‌تواند «تخم آژی‌تاسیون سیاسی و سوسیالیسم» بکارد، تنها و تنها با تظاهرات هائی ممکن است که در آن کتله‌های وسیع توده‌ها از طبقات مختلف زحمتکشان و طیف‌های گوناگون سیاسی مدافع خلق و توده‌ها شرکت نمایند و اشغالگران و دولت پوشالی را به‌واهمه و ترس وادارد، نه تظاهرات‌های خیابانی تشکیلاتی که در آن توده‌ها و شلاق خوران و تازیانه خوران «کنجکاو» شرکت نکرده و بیشتر به محیط «بیا مرا بگیر» مشابهت دارد.

تظاهرات‌ها و راهپیمائی‌های خیابانی را فقط تشکیلاتی می‌توانند به شکل مؤثر رهبری نمایند که به قول ستالین «مسلح به اصول محکم و مخفی کاری غیر قابل نفوذ» باشند، نه آنانی که به فرمایش این و آن کمیته به علنی‌گری می‌پردازند و نامش را تظاهرات می‌گذارند. این نوع تظاهرات، تظاهرات خیابانی انقلابی نیست و با تاکتیک کار دموکراتیک انقلابی منطبق نیست.

انقلابیون باید در تمام تظاهرات‌های خیابانی توده‌ها شرکت کنند، شعارهای خود را میان توده‌ها ببرند، سیاست‌های خود را به آگاهی توده‌ها برسانند و با خیزش و شورش توده‌ها، اشغالگران و دولت پوشالی و سایر دژخیمان را به ترس و لرز ببندازند. تظاهرات خیابانی نیرومندترین وسیله تبلیغ انقلابی است، از آن باید حد اعظمی سود برد.

در کنار تظاهرات خیابانی، انقلابیون نباید از شرکت در جنبش‌های مردمی غافل بمانند. این جنبش‌ها می‌توانند بر خواست‌های دموکراتیک توده‌ها به وجود آمده باشند و یا هم بر اساس خواست‌های طبقاتی. ما وظیفه داریم از هر نوع جنبشی که به آگاهی سیاسی توده‌ها کمک و یاری برساند، به مبارزه علیه اشغالگران و ایادی بی‌مقدار آنان کمک کند، حمایت کنیم. ما باید از جنبش‌های ملیت‌های محکوم و اقلیت‌های مذهبی که زیر ستم استبداد دولت پوشالی و اشغالگران خرد و خمیر می‌شوند، حمایت کنیم. ما باید از جنبش‌های جوانان، محصلان، متعلمان، زنان و... حمایت کنیم و در سمت‌های این جنبش‌ها با تمام نیرو و توان تلاش کنیم. نباید در مبارزه دموکراتیک، دفاع از جنبش‌های رهانیبخش سایر ملل را فراموش کنیم. این وظیفه انقلابی ماست که از ملل زیر ستم اشغال و تجاوز و مبارزه رهانیبخش آنها حمایت کنیم و در حد توان به آنها یاری برسانیم.

در آخر اجمالاً تأکید می‌کنیم که کار دموکراتیک جزء لاینفک کار سوسیالیستی است. انقلابیون جدی، چنانچه کار ترویجی را فراموش نمی‌کنند، نمی‌توانند کار تبلیغی را به طاق نسبیان بسپارند و برای لحظه‌ای هم از کار دموکراتیک غافل بمانند. کار دموکراتیک یگانه راهی است که می‌توان از طریق آن به آگاهی و همبستگی توده‌ها کمک کرد و پیوند توده‌ئی ارگانیک و فشرده قایم کرد.

کار دموکراتیک، ریفورمیسم و علنی‌گرایی نیست. انقلابیون باید از تمام امکانات علنی استفاده کنند که اصول انقلابی را لطمه نمی‌زند، ولی نباید به حزب علنی و مارکسیسم علنی بچسبند و انجوایزم را در زمره کار دموکراتیک جا بزنند و تدریجاً برنامه انقلابی سازمان مخفی را به ریفورمیسم بورژوازی استحاله نمایند. انقلابیون نباید کار دموکراتیک را تا

و تازیانه، گرایش به انقلاب در «ناظران کنجکاو» تسریع می‌گردد. تازیانه از وسیله‌ای جهت رام کردن مردم به وسیله‌ای برای برانگیختن آنها، مبدل می‌شود. از اینروست که حتی اگر تظاهرات خیابانی نتایج مستقیمی برای ما به بار نمی‌آورد، حتی اگر اینک تظاهرکنندگان به علت ضعف و ناتوانی زیاد قادر نیستند دولت را وادار به قبول خواست‌های عامه کنند، با وجود این، فداکاری‌ها و جانفشانی‌هایی که هم اکنون ما در تظاهرات خیابانی نشان می‌دهیم، صدها بار جبران خواهد گردید... ضربات شلاق و تازیانه را به جان می‌خریم تا تخم آژی‌تاسیون سیاسی و سوسیالیسم را بکاریم. دولت نیز همچون ما معتقد است که آژی‌تاسیون خیابانی، ناقوس مرگش را به صدا درآورده و در عرض دو، سه سال آینده شیخ انقلاب مردم در مقابلش نمودار خواهد گردید... اما جهت انجام این منظور، سوسیال دموکراسی باید دارای تشکیلات قدرتمند و یک پارچه و دقیق‌تر گفته باشیم دارای تشکیلات حزبی باشد که نه تنها در اسم بلکه همچنان در اصول اساسی و نظریات تاکتیکی نیز متحد باشد. وظیفه ما این است که در راه ایجاد این حزب قدرتمند که مسلح به اصول محکم و مخفی کاری غیر قابل نفوذ می‌باشد، کوشش کنیم. حزب سوسیال دموکرات باید از جنبش نوین خیابانی که تازه آغاز شده است، بهره‌برداری به عمل آورد. این حزب باید پرچم دموکراسی روس را در دست خود گرفته و آن را به پیروزی و فتحی که همه خواهانش هستند، رهبری کند. بدین ترتیب، در مقابل ما یک دوره و در درجه نخست مبارزه سیاسی قرار گرفته است. این چنین مبارزه‌ای برای ما ضروری می‌باشد.» (حزب سوسیال دموکرات روس و وظایف میرم آن - ستالین)

سطح فعالیت های جامعه مدنی پائین بیاورند و یا از آن چنان بترسند که برای تیرئه فرار از توده ها، آن را با ترکیبات مسخره ای مثل «مصونیت قضائی» و «دام و دانه» تحقیر کنند.

کشور ما که توسط اشغالگران امریکائی - ناتوئی اشغال شده است، کار دموکراتیک انقلابیون عمدتاً در خدمت تضاد عمده قرار دارد و تمام خلق را باید از طریق کار دموکراتیک علیه اشغالگران و دولت پوشالی و فاشیست های طالب و داعش تهییج و ترغیب کرد و به آنان آگاهی داد. اما نباید فراموش کرد که با وجود اولویت مبارزه سیاسی و افشاگری جنایت ها و تعدی و ستم اشغالگران و دولت پوشالی و سایر دژخیمان، در بخش اقتصادی نیز از خواست های توده ها و طبقات زحمتکش باید به دفاع برخاست.

انقلابیون نباید سبک انقلابی کار دموکراتیک را نادیده بگیرند. باید تلاش کنند به زبان توده ها صحبت کنند، برای توده ها بنویسند و خواست های توده ها را در نظر بگیرند. از حرفای، طمطراق و پرگوئی جداً پرهیز نموده، زبان غنی توده ها را بیاموزند و به جای صدور «رهبران» و «قهرمانان» صادراتی، تلاش کنند اعتماد توده ها را با مشی صحیح، سیاست صحیح، ستراتیژی و تاکتیک صحیح و شیوه درست رهبری به دست بیاورند، تا توده ها داوطلبانه با در نظرداشتن پراتیک مبارزاتی، آنان را بر سکوی رهبری جنبش های توده ئی بپذیرند.

در آخر با ای . میشتتر همصدا می شویم: ترویج بیشتر، تبلیغ بیشتر!

مرگ بر امپریالیزم

در راه سوسیالیزم، به پیش!

سازمان انقلابی افغانستان

اسد ۱۳۹۶